لوح عهد وميثاق (امريكا)

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



### لوح عهد وميثاق (امريكا) – اثر حضرت عبدالبهاء – مكاتيب عبدالبهاء، جلد۳، صفحه ۴۱۰ - ۴۲۳

امريک عموم احبّای الهی عليهم بهاء اللّه الابهی

## ﴿ هو اللّه ﴾

ای ياران الهی، عبدالبهاء شب و روز بياد شما و بذکر شما مشغول زيرا ياران الهی در نزد عبدالبهاء عزيزند و در سحرگاهان تضرّع بملکوت اللّه مينمايم و شما را استفاضه از نفثات روح القدس ميطلبم تا شمعهای روشن شويد و بنور هدايت بدرخشيد و ظلمت ضلالت را زائل نمائيد مطمئن باشيد تأييدات ملکوت ابهی پی در پی ميرسد.

شجره حيات از بهار الهی و ريزش ابر آسمانی و حرارت شمس حقيقت تازه بنای نشو و نما گذاشته عنقريب گل و شکوفه نمايد و برگ و بار ببار آرد و بر شرق و غرب سايه اندازد و اين شجره حيات کتاب ميثاق است.

ولی در اين ايّام در امريکا بادهای شديدی بر سراج ميثاق احاطه نموده تا اين سراج روشن را خاموش کند و اين شجره حياترا از ريشه براندازد.

بعضی نفوس ضعيفه نوهوس از اهل غرض و بی خبر از زلزله بغض و عداوت متزلزل شده و همّت را گماشتند که عهد و ميثاق الهی را محو نمايند و آب صافی را گل آلود کنند تا در اين گل آلودی ماهی صيد نمايند بر مرکز ميثاق طغيان نموده‌اند بعينه مثل بيانيان که بر جمال مبارک هجوم نمودند هر دمی افترائی زدند و در هر روزی بهانه ئی کنند و خفيّاً القای شبهات نمايند تا بکلّی ميثاق بهاء اللّه در امريکا محو و نابود گردد.

ای ياران الهی، بيدار باشيد بيدار باشيد هشيار باشيد هشيار باشيد. حضرت باب عهد و ميثاق جمال مبارکرا از جميع اهل بيان گرفت که در يوم ظهور من يظهره اللّه و سطوع انوار بهاءاللّه مؤمن و موقن شوند و بخدمت پردازند و اعلاء کلمة اللّه نمايند بعد اهل بيان چون ميرزا يحيی و بسياری اشخاص بر ضدّ جمال مبارک قيام نمودند و انواع مفتريات بربستند و بنفوس القای شبهات کردند و از کتب حضرت باب که جميع ذکر من يظهره اللّه است استدلال بر بطلان بهاءاللّه مينمودند هر روز رساله بر ضدّ بهاءاللّه نوشته انتشار ميدادند و مردم را بتشويش و اضطراب ميانداختند و بنهايت اذيّت و ظلم بر حضرت بهاءاللّه قيام نمودند و خود را بر عهد حضرت باب ثابت ميشمردند تا آنکه انوار عهد حضرت باب آفاقرا روشن کرد و جميع نفوس مؤمنين مخلصين از ظلمات نقض اهل بيان نجات يافتند و مانند شمع روشن برافروختند و جمال مبارک در جميع الواح و رسائل احبّای صادق ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد حضرت باب منع فرمودند که نفسی نزديکی بآنان نکند زيرا نفسشان مانند سمّ ثعبان ميماند فوراً هلاک ميکند.

از جمله در کلمات مکنونه ميفرمايد "مصاحبت ابرار را غنيمت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار"

و خطاب باحبّا ميفرمايد که "معلوم آنجناب بوده که زود است شيطان در قميص انسان در آن ارض وارد شود و اراده نمايد که احبّای جمال سبحانرا بوساوس نفسيّه و خطوات شيطانيّه از صراط عزّ مستقيمه منحرف سازد واز شاطئ قدس سلطان احديّه محروم نمايد اينست از خبرهای مستوره که اصفيا را بآن آگاه فرموديم که مبادا بمجالست آن هياکل بغضيّه از مقام محمود ممنوع شوند. پس بر جميع احبّاء اللّه لازم که از هر نفسی که رائحه بغضا از جمال عزّ ابهی ادراک نمايند از او احتراز جويند اگر چه بکلّ آيات ناطق شود و بکلّ کتب تمسّک جويد" الی ان قال عزّ اسمه"پس در کمال حفظ خود را حفظ نمايند که مبادا بدام تزوير و حيله گرفتار آيند اينست نصح قلم تقدير"

و در خطاب ديگر ميفرمايد "پس از چنين اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مرضات الهی بوده و خواهد بود چه که نفسشان مثل سمّ سرايت کننده است"

و در خطاب ديگر ميفرمايد "ای کاظم چشم از عالميان بپوش و ماء حيوان عرفانرا از يد غلمان سبحان بنوش و گوش بمزخرفات مظاهر شيطان مده چه که اليوم مظاهر شيطانيّه بر مراصد صراط عزّ احديّه جالسند و ناس را بکلّ حيل و مکر منع مينمايند و زود است که اعراض اهل بيانرا از مظهر رحمن مشاهده نمائی"

و در خطاب ديگر ميفرمايد "بسيار در حفظ نفوس خود سعی نمايند چه که شياطين بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر نفسی بطريق او برآيند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود وا گذارند"

و در خطاب ديگر ميفرمايد "هر نفسی که از او غلّ غلام استشمام نمائيد از او اعراض کنيد اگر چه بزهد اوّلين و آخرين ظاهر شود و يا بعبادت ثقلين قيام نمايد"

و همچنين در خطابی ديگر ميفرمايد "ای مهدی جميع باين کلمات مطّلع شده از مظاهر سجّينيّه و مطالع نمروديّه و مشارق فرعونيّه و منابع طاغوتيّه و مغارب جبتيّه اعراض نمايند"

و همچنين ميفرمايد "قل أن يا أحبّائی ثمّ أصفيائی اسمعوا نداء هذا الحبيب المسجون فی هذا السجن الأکبر إن وجدتم من أحد أقلّ من أن يحصی روائح الإعراض فأعرضوا عنه ثمّ اجتنبوه" تا آنکه ميفرمايد "لأنّهم مظاهر الشيطان"

و در خطابی ديگر ميفرمايد "و بمنظر اکبر ناظر باشيد عنقريب روائح منتنه انفس خبيثه بر آنديار مرور نمايد انشاء اللّه در آن ايّام محفوظ مانيد"

در انجيل متی در فصل ثامن عشر در آيه ششم حضرت مسيح ميفرمايد "و من اعثر أحد هؤلاء الصغار المؤمنين بی فخير له أن يعلّق فی عنقه حجر الرحی و يغرق فی لجّة البحر ويل للعالم من العثرات فلا بدّ أن تأتی العثرات و لکن ويل لذلک الإنسان الّذی به تأتی العثرة فإن اعثرتک يدک أو رجلک فاقطعها و ألقها عنک خير لک أن تدخل الحياة اعرج أو اقطع من أن تلقی فی النار الأبديّة و لک يدان أو رجلان و إن اعثرتک عينک فاقلعها و ألقها عنک خير لک أن تدخل الحياة أعور من أن تلقی فی جهنّم النار و لک عينان"

و در اصحاح حادی و العشرون در انجيل متی در آيه ٣٨ ميفرمايد "و أمّا الکرامون فلمّا رأَوا الإبن قالوا فيما بينهم هذا هو الوارث هاموا نقتله و نأخذ ميراثه فآخذوه و أخرجوه خارج الکرم و قتلوه"

و همچنين فی الاصحاح الثانی و العشرين در آيه چهاردهم ميفرمايد "لأنّ کثيرين يدعون و قليلين ينتخبون"

و در آثار مبارک الواح حضرت بهاءاللّه البتّه در هزار موقع مذکور و نفرين بر ناقضين ميثاق مينمايند بعضی از آن کلمات آسمانی ذکر ميشود.

باری جميع احبّای امريکا ميدانند که مؤسّس اين فساد يعنی نقض ميثاق نفوسی هستند که جميع احبّای الهی مقاصد ايشانرا ميدانند سبحان اللّه با وجود اين فريب آنانرا ميخورند الحمد لله شما بنهايت وضوح ميدانيد حضرت مسيح بنهايت محبّت و مهربانی بود ولی نفوسی بودند مانند يهوذای اسخريوطی باعمال خودشان از مسيح جدا شدند پس چه ذنبی بر مسيح بود حال ناقضين عنوانی کردند که عبدالبهاء استبداد دارد و نفوسی را اخراج ميکند و مانند پاپا محروم می‌نمايد ابداً چنين نيست هر نفسيکه جدا شد باعمال و دسايس و وساوس خويش خود را محروم نمود اگر اين اعتراض بر عبدالبهاء وارد بايد اعتراض بر جمال مبارک نمايند که بصراحت بحکم قاطع احبّاء را از معاشرت و الفت با ناقضين از اهل بيان منع فرمود.

[مناجات] ای ربّ ميثاق ای نيّر آفاق عبدالبهای مظلوم در دست نفوسی بظاهر اغنام و بحقيقت گرگان درنده گرفتار گشته هر ظلمی مجری ميدارند و بنيان ميثاقرا ويران مينمايند و ادّعای بهائی ميکنند تيشه بر ريشه شجره ميثاق ميزنند و خود را مظلوم ميشمرند نظير بيانيها که ميثاق حضرت بابرا شکستند و از شش جهت تير طعن و مفتريات بر هيکل مبارک زدند با اين ظلم عظيم خود را مظلوم ميشمردند حال اين عبد آستانت نيز گرفتار ظالمان گشته و در هر ساعتی حيله و مکری مينمايند و افترائی ميزنند. يا بهاء الابهی حصن حصين امرترا از اين دزدان محافظه نما و سراجهای ملکوترا از اين بادهای مخالف مصون بدار. يا بهاء الابهی عبدالبهاء دمی آرام نگرفت تا آنکه امر ترا بلند نمود و علم ملکوت ابهی در جميع آفاق موج زد حال نفوسی چند بدسائس و وساوس قيام کرده‌اند که اين علم مبين در امريک سرنگون گردد ولی اميد من بتأييدات تو است مرا فريد و وحيد و مظلوم مگذار چنانکه شفاهاً و خطًّا وعده حتمی فرمودی که اين آهوی صحرای محبّتت را از هجوم کلاب بغض و عدوان حفظ ميفرمائی و اين برّه مظلومترا از چنگ و دندان ذءآب کاسره نجات می‌بخشی منتظر ظهور عنايات و تحقّق وعد محتوم تو هستم توئی حافظ حقيقی و توئی ربّ الميثاق پس اين سراجيرا که تو افروختی از اين ارياح شديده حفظ فرما يا بهاء الابهی از جهان و جهانيان گذشتم و از بيوفايان دل‌شکسته گشتم و آزرده شده‌ام و در قفس اين جهان چون مرغ هراسان بال و پر ميزنم و هر روز آرزوی پرواز بملکوتت ميکنم يا بهاء الابهی مرا جام فدا بنوشان و نجات بخش و از اين بلايا و محن و صدمات و مشقّت آزاد کن توئی معين و نصير و ظهير و دست گير باری بعضی از آثار و مناجات و آيات جمال مبارک که نهی از معاشرت ناقضانست درج ميشود در مناجات فارسی ميفرمايد "اين عبد را حفظ نما از شبهات نفوسيکه اعراض نموده‌اند و از دريای علمت ممنوعند إلهی إلهی احفظ عبدک بجودک و کرمک من شرّ أعدائک الّذين نقضوا عهدک و ميثاقک"

و در جای ديگر ميفرمايد" ای پروردگار من و مقصود جان من بيد قدرت اين ضعيف را از نعيق ناعقين حفظ نما" ناعق گوساله بنی اسرائيل است.

و همچنين ميفرمايد "مبغوض مرا محبوب خود دانسته‌ايد و دشمن مرا دوست خود گرفته‌ايد"

و همچنين ميفرمايد "صحبت اشرار غم بيفزايد و مصاحبت ابرار زنگ دل بزدايد من أراد ان يأنس مع اللّه فليأنس مع أحبّائه و من أراد أن يسمع کلام الله فليسمع کلمات أصفيائه"

و همچنين ميفرمايد "با اشرار الفت مگير و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جانرا بنار حسبان تبديل نمايد اگر فيض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زيرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشيده‌اند"

و همچنين ميفرمايد "رأس الذلّة هو الخروج عن ظلّ الرحمن و الدخول فی ظلّ الشيطان"

و همچنين ميفرمايد "ای عباد نيست در اين قلب مگر تجلّيات انوار صبح لقا و تکلّم نمينمايد مگر بر حقّ خالص از پروردگار شما پس متابعت نفس ننمائيد و عهد الله را نشکنيد و نقض ميثاق مکنيد باستقامت تمام بدل و قلب و زبان باو توجّه نمائيد و نباشيد از بيخردان"

و همچنين ميفرمايد "أنتم نسيتم عهد اللّه و نقضتم ميثاقه"

و همچنين ميفرمايد "إن جائکم أحد بکتاب الفجّار دعوه ورائکم من الناس من نقض الميثاق و منهم من اتّبع ما أمر من لدن عليم حکيم ليس ضرّی سجنی و بلائی و ما يرد عَلَيَّ من طغاة عبادی بل عمل الّذين ينسبون أنفسهم إلی هذا المظلوم و يرتکبون ما تضيع به حرمة اللّه بين خلقه أَلَا إنّهم من المفسدين"

و همچنين از لسان ناقضين ميفرمايد "قد جعلت المنابر لذکرک و ارتفاع کلمتک و اظهار امرک و انّی ارتقيت عليها لاعلاء نقض عهدک و ميثاقک"

و همچنين ميفرمايند "خذوا ما أُمرتم به و لا تتّبعوا الّذين نقضوا عهد اللّه و ميثاقه أَلَا إنّهم من أهل الضلال"

و همچنين ميفرمايند "إنّ الّذين نکثوا عهد اللّه فی أوامره و نکصوا علی أعقابهم أولئک من أهل الضلال لدی الغنی المتعال"

و همچنين ميفرمايند "إنّ الّذين وفوا بميثاق اللّه أولئک من أعلی الخلق لدی الحق المتعال إنّ الّذين غفلوا أولئک من أهل النار عند ربّک العزيز المختار"

و همچنين ميفرمايند "طوبی لعبد آمن و لأَمَة آمنت و ويل للمشرکين الّذين نقضوا عهد اللّه و ميثاقه و أعرضوا عن صراطی المستقيم"

و همچنين ميفرمايند "اسألک أن لا تخيّبنی عمّا عندک و ما قدّرته لخيرة خلقک الّذين ما نقضوا عهدک و ميثاقک قل موتوا بغيظکم قد أتی من ارتعدت به فرائص العالم و زلّت به الأقدام إلّا الّذين ما نقضوا عهدهم و اتّبعوا ما أنزله اللّه فی الکتاب"

و همچنين ميفرمايند "إنّ الّذی تزيّن برداء الوفاء بين الأرض و السماء يصلّی عليه الملأ الأعلی و الّذی نقص العهد يلعنه الملک و الملکوت"

و همچنين ميفرمايند "خذ ما نزل لک بقوّة تعجز عنها أيادی الکفّار الّذين نقضوا ميثاق اللّه و عهده و أعرضوا عن الوجه"

و همچنين ميفرمايند "يا يحيی قد أتی الکتاب خذه بقوّة من لدنّا و لا تتّبع الّذين نقضوا ميثاق اللّه و عهده و کفروا بما نزل من لدن مقتدر علّام"

و همچنين ميفرمايند "قد أصبحت اليوم يا إلهی فی جوار رحمتک الکبری و أخذت القلم لأذکرک بحولک بذکر يکون بمنزلة النور للأحرار و بمثابة النار للأشرار الّذين نقضوا ميثاقک و أعرضوا عن آياتک و نبذوا عن ورائهم کوثر الحيوان الّذی ظهر بأمرک و جری من إصبع إرادتک"

و همچنين در توقيعی بعبدالبهاء ميفرمايند "يا إلهی هذا غصن انشعب من دوحة فردانيّتک و سدرة وحدانيّتک تراه يا إلهی ناظراً إليک و متمسّکاً بحبل ألطافک فاحفظه فی جوار رحمتک أنت تعلم يا إلهی إنّی ما أريد إلّا بما أردته و ما اخترته إلّا بما اصطفيته فانصره بجنود أرضک و سمائک و انصر يا إلهی من نصره ثمّ اختر من اختاره و أيّد من أقبل إليه ثمّ أخذل من أنکره و لم يرده أی ربّ تری حين الوحی يتحرّک قلمی و ترتعش أرکانی اسألک بولهی فی حبّک و شوقی فی إظهار أمرک بأن تقدّر له و لمحبيّه ما قدّرته لسفرائک و أمناء وحيک إنّک أنت اللّه المقتدر القدير"

"تالله يا قوم يبکی عينی و عين عليّ علی الرفيق الأعلی و يضجّ قلبی و قلب محمّد فی السرادق الأبهی و يصيح فؤادی و أفئدة المرسلين عند أولی النهی إن أنتم من الناظرين لم يکن حزنی من نفسی بل علی الّذی يأتی من بعدی فی ظلل الأمر بسلطان لائح مبين لأنّ هؤلاء لا يرضون بظهوره و ينکرون آياتة و يجحدون بسلطانه و يحاربون بنفسه و يخادعون فی أمره کما فعلوا بنفسه فی تلک الأيّام و کنتم من الشاهدين"

و همچنين در توقيعی بعبدالبهاء ميفرمايند "يا غصن أعظم لعمر اللّه نوازلک کدّرتنی و لکن اللّه يشفيک و يحفظک و هو خير کريم و أحسن معين البهاء عليک و علی من يخدمک و يطوف حولک و الويل و العذاب لمن يخالفک و يؤذيک طوبی لمن والاک و السقر لمن عاداک"

و همچنين ميفرمايد "هل يمکن بعد إشراق شمس وصيّتک من أفق أکبر ألواحک أن تزلّ قدم آحد عن صراطک المسقيم قلنا يا قلمی الأعلی ينبغی لک أن تشتغل بما أمرت من لدی اللّه العليّ العظيم لا تسأل عمّا يذوب به قلبک و قلوب أهل الفردوس الّذين طافوا حول أمری البديع لا ينبغی لک بأن تطّلع علی ما سترناه عنک إنّ ربّک لهو الستّار العليم توجّه بوجهک الأنور إلی المنظر الأکبر و قل يا إلهی الرحمن زيّن سماء البيان بأنجم الاستقامة و الأمانة و الصدق إنّک أنت المقتدر علی ما تشاء لا إله إلّا أنت المدبّر الکريم".

باری از اين بيانات مبارک و بيانات حضرت مسيح واضح و ثابت و محقّق شد که انسان بايد با نفوسی که بر عهد و ميثاق ثابتند معاشرت نمايد و با ابرار الفت کند زيرا قرين سوء سبب می شود که سوء اخلاق سرايت می‌نمايد نظير مرض جذام که ممکن نيست انسان با مجذوم الفت و معاشرت نمايد و مرض جذام سرايت نکند اين بجهت حفظ و صيانت است.

اين نصّ انجيل را ملاحظه کنيد که برادران حضرت مسيح آمدند نزد حضرت مسيح عرض کردند که اينها برادران شما هستند فرمودند که برادران من نفوسی هستند که مؤمن بخدا هستند و قبول ننمودند که با برادران معاشرت و مجالست نمايند بهمچنين قرّة العين که معروف آفاق است وقتی که مؤمن بخدا شد و منجذب بنفحات الهی گشت از دو پسر بزرگ خويش بيزار شد زيرا مؤمن نشدند و ديگر ابداً بانها ملاقات نکرد و حال آنکه دو اولاد رشيد او بودند و ميگفت که احبّای الهی جميع پسران من هستند ولی اين دو ابداً پسر من نيستند و بيزارم.

ملاحظه نمائيد که باغبان الهی شاخه خشک و يا ضعيف را از شجره طيّبه قطع می‌نمايد و شاخ درخت ديگر را باين شجره پيوند مینمايد هم فصل ميکند و هم وصل ميکند اينست که حضرت مسيح ميفرمايد که از جميع آفاق می‌آيند و داخل در ملکوت ميشوند و ابناء ملکوت از ملکوت خارج ميشوند نوه نوح کنعان در نزد نوح مردود بود و ديگران مقبول برادران جمال مبارک از جمال مبارک منفصل شدند و ابداً جمال مبارک با آنها ملاقات نميفرمودند و هذا فراق بينی و بينکم ميفرمودند جميع اينها نه اين بود که جمال مبارک استبداد مجری ميداشتند ولی اينها باعمال و افعال و اقوال خود از الطاف و عنايات مبارک محروم ماندند. حضرت مسيح در قضيّه يهوذای اسخريوطی و برادران خويش استبداد مجری نداشتند ولی آنان خود را محروم نمودند باری مقصود اينست که عبدالبهاء بی‌نهايت مهربانست ولی مرض مرض جذام است چه کند همچنانکه در امراض جسمانی بايد معاشرت و سرايت را منع کرد و قوانين حفظ الصحّه را مجری داشت زيرا امراض ساريه جسمانی بنيان بشر را براندازد بهمچنين بايد نفوس مبارکه را از روائح کريهه و امراض مهلکه روحانی محافظه و صيانت کرد و الّا نقض نظير مرض طاعون سرايت ميکند و کلّ هلاک ميشوند در بدايت صعود مبارک مرکز نقض تنها بود بعد کم کم سرايت کرد و اين بسبب الفت و معاشرت واقع شد.

١٤ نوفمبر سنه ١٩٢١ (عبدالبهاء عبّاس)